

معارضه با حجاب و عفاف از کدام ستاد، فرماندهی می‌شود؟

ترویج سازمان یافته بی‌حجابی و بی‌عفتی را باید درست فهمید و متناسب این فهم، با شبکه واسطه آن در داخل کشور با شدت عمل برخورد کرد. این ماجرا، صرفاً نفی حکم ضروری اسلام نیست، بلکه «جنایت علیه بشریت» است. اگر صدف حجاب بشکند، گوهر عفاف نیز شکسته یا ربوده خواهد شد.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد ایمانی در یادداشتی نوشت:

(۱) برای فهم دقیق از موضوع حجاب و عفاف باید توجه داشت که اولاً حجاب، صرفاً حکم الزام‌آور اسلامی نیست، بلکه الزام انسانی و عقلی هم هست. ثانیاً، رواج بی‌حجابی (در دنیا و کشور ما)، یک فرآیند طبیعی اجتماعی نیست، بلکه حرکتی مهندسی شده و سازمان‌یافته است. کارفرمایان جهانی عفاف‌زدایی، فقط با اسلام معارضه نمی‌کنند. آنها با کرامت انسان مسئله دارند و عبور از این خاکریز را لازمه سلطه بر جوامع می‌دانند. اگر ماجرا از این چشم‌انداز مشاهده و بازنمایی شود، بخش مهمی از دوگانگی تحلیلی برطرف خواهد شد. صیانت از حجاب و عفاف، همچنان که مسئولیت شرعی است، اولویت امنیت و اقتدار ملی هم هست.

(۲) ماتریالیست‌ها به خاطر این که مبدا و معادی برای انسان نمی‌شناسند، فلسفه زندگی را «هرچه بیشتر لذت بردن و پروار شدن» تصور می‌کنند. می‌گویند انسان، حیوان برتری است که با ابزار عقل می‌تواند بیشتر کامجویی کند. اما منطق پروار شدن و کامجویی نامحدود، نه شاخصه آزادی و آقایی انسان، بلکه مقدمه بردگی، طعمه‌شدن و بهره‌کشی از اوست. وقتی سودای پروار شدن و کامجویی نامحدود بر زندگی حاکم شد، گروهی گوسفند خواهند شد، و عده‌ای، گله‌دار و پروارند. و گروه نخست، از دومی نخواهند پرسید که چرا مجال فربه شدن را فراهم می‌کنند؟ در چنین زیستنی، دیدن آینده بردگی (پیامد زندگی بی‌بندوبار)، بی‌معنا و ناممکن است. دیگر عقل انسان قد نمی‌دهد که برآیند روزگار و سرانجام خویش‌ترن را ببیند، یا این که با استثمار کنندگان، چون و چرا کند.

(۳) کلام نورانی امیر مومنان(ع) در این باره تکان دهنده است:

«أَيُّهَا الْغَافِلُونَ غَيْرَ الْمَعْقُولِ عَنْهُمْ وَالتَّارِكُونَ الْمَأْخُودَ مِنْهُمْ مَا لِي أُرَاكُمْ عَنِ اللَّهِ ذَاهِبِينَ وَإِلَى غَيْرِ رَاقِبِينَ... ای بی‌خبرانی که از آنها غفلت نمی‌شود، و ای ترک‌کنندگانی که بازخواست می‌شوند، شما را چه شده که از خداوند روگردانید و به غیر او گرایش دارید؟ چهارپایانی را مانید که چوپان، آنها را در کشتزاری وباخیز و دردانگیز بگرداند. گوسفندی را مانید که بچرد تا فربه شود و زیر کارد رود و نداند از او چه خواهند و با او چه کنند؟ اگر به او خوبی کنند، آن روز را روزگار خویش پندارد و سیری اش را پایان کار». (خطبه ۱۷۴ نهج‌البلاغه)

(۴) ترویج سازمان یافته بی‌حجابی و بی‌عفتی را باید درست فهمید و متناسب این فهم، با شبکه واسطه آن در داخل کشور با شدت عمل برخورد کرد. این ماجرا، صرفاً نفی حکم ضروری اسلام نیست، بلکه «جنایت علیه بشریت» است. اگر صدف حجاب بشکند، گوهر عفاف نیز شکسته یا ربوده خواهد شد. شاید کسانی مدعی باشند که مراد از حجاب اختیاری، فقط نداشتن روسری است. اما وقتی در ضرورت و الزام حجاب تشکیک شد، متعاقباً نمی‌توان هیچ حدّی درباره نداشتن حجاب متصور شد. این، گام اول مسیری است که در غرب، به قهقرای اخلاقی، روابط بی‌بندوبار، استثمار زنان، همجنس‌بازی و آمیزش با حیوانات، ارتکاب انواع جنایات، انهدام خانواده، بحران حرام‌زادگی و... انجامیده و در حال نابودی تمدن لیبرال است. خانواده، بنیان تربیت اجتماعی، مروج هنجارهای برپا دارنده جامعه، و عامل اصلی اقتدار یا ضعف آن است. از نگاه مستکبران، فروپاشاندن خانواده (از طریق تزریق بی‌حجابی و سپس، بی‌عفتی و روابط بی‌حد و مرز)، مقدمه سلطه است. فرقی هم نمی‌کند ملت هدف، مردم خودشان باشد یا کشورهای دیگر. طبق این پروژه، افراد نباید رگ و ریشه و اصل و نسب داشته باشند. باید با نابودی خانواده، مسخ و بی‌هویت شوند و بتوان در هر ظرف مطلوبی ریخت و شکل‌شان داد.

(۵) حجاب و عفاف، یک ارزش والاست، اما دشمنان می‌خواهند آن را به چالش و ضدارزش تبدیل کنند. این ارزش، نه فقط در جامعه انقلابی، بلکه از روزگار رژیم پهلوی، آماج حمله سرسپردگان غرب قرار گرفته، و در مقابل، سنگر مقاومت زن ایرانی بوده است. این پویش ۹۰ ساله، مواجهه عمیق تمدن اسلامی- ایرانی با تمدن مهاجمی است که لازمه تسلط و توسعه‌اش را راهزنی و لخت و عور کردن انسان از همه سرمایه شرافتش می‌داند. بی‌دلیل نیست که آن مقام صهیونیست (نتانیاها) ۲۰ سال قبل، به مقامات آمریکایی گفت برای براندازی در ایران، سریال‌های مبتذل، اشرافی و تغییردهنده سبک زندگی را پخش کنید. آماج حمله دشمنان بشریت، فراتر از احکام اسلامی، «نظم و نسق اجتماعی، قاعده‌مندی و احترام به قوانین» است. هدف، از هم گسیختن شیرازه جامعه و فروپاشی اجتماعی، به عنوان مقدمه ویرانی «ایران قوی» است. ایران، هنگامی که انقلابی و مستقل نبود، اهمیت راهبردی برای استعمارگران داشت؛ چنان که در جنگ جهانی دوم، پل پیروزی اشغالگران (متفقین) شد. در مقابل، ایران مستقل فعلی، نقش منحصر به فردی در تحولات قدرت جهانی ایفا می‌کند و در حال شکل دادن به نظم جهانی متکثر است. این برای نظام برده‌داری غرب، حکم مرگ و زندگی را دارد.

(۶) اگر دشمن همین حالا مشغول عملیات سنگین علیه بنیان‌های اخلاقی جامعه است، هیچ مسئول فرهنگی، رسانه‌ای، اطلاعاتی، انتظامی و قضایی نمی‌تواند دفاع همه‌جانبه در برابر این قتل‌عام فرهنگی را به تصویب قانون مجدد و تدوین آئین‌نامه و اما و اگرهای مشابه موکول کند. اگر مرزی مورد تعرض واقع شد، با هیچ توجیهی نمی‌شود تعلل کرد تا دشمن پیشروی کند و قربانی بگیرد. اگر دشمن جاگیر شد، عقب راندن او، صدها برابر هزینه و تلفات در پی دارد. اگر پزشکان بیمارستان به جای مداوای بیمار اورژانسی، دنبال مصوبه و آیین‌نامه و رضایت اولیای مصدوم بگردند، زمان طلایی برای

۷) قوانین اجتماعی و احکام اسلامی، یک بسته کامل اجرایی هستند که باید فلسفه و شان نزول آنها دائماً با زبانی رسا و جذاب بیان گردد، و همزمان، با جدیت و قاطعیت به اجرا گذاشته شود. همچنین، ناقضان قانون باید با شیوه‌های موثر مورد بازخواست قرار گیرند و مجازات‌ها و محرومیت‌های بازدارنده درباره آنها اعمال شود. به ویژه ضروری است که درباره شبکه حمایت‌کننده از جرم، معادله غلط «هنجار شکنی/ دریافت پاداش»، به «مجازات و جرمه سنگین در صورت ارتکاب جرم» تغییر کند. ترویج حجاب و ممانعت از بی‌عفتی، هم نیازمند روشنگری و کار تربیتی است، و هم مستلزم شدت عمل عبرت‌آموز و پشیمان‌کننده با مروجان هنجارشکنی. هر چند که نفس ارتکاب بی‌حجابی و بی‌عفتی جرم است و مرتکب، مواخذه و مجازات می‌شود، اما شرط مبارزه موثرتر، از هم گسیختن نقاط اتصال «شبکه مروجان متجاهر» است. این شبکه شامل برخی احزاب و سیاسیون، رسانه‌های اجاره‌ای (زنجیره‌ای)، هنرمندان و افراد مشهور، و همچنین برخی سفارش‌دهندگان و تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان می‌شود. کسانی که در ترویج بی‌بند و باری سازمان‌یافته نقش ایفا کنند، در نقشه خصمانه دشمنان تاریخی ایران نقش ایفا می‌کنند و باید بر همین مبنا تفهیم اتهام شوند. همچنان که باید درباره نقشه دشمن روشنگری کرد، در مجازات سر شبکه‌ها و مستخدمان میدانی آن هم نباید سر سوزنی کوتاهی روا داشت. مجازات مروجان بی‌عفتی، صرفاً زندان و شلاق و اعدام (در صورت اقتضا) نیست، بلکه می‌توان انواع محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و شغلی و یا انسداد حساب بانکی، و ممنوعیت انجام معاملات و.. را در نظر گرفت.

۸) برخی ناهنجاری‌های فعلی، محصول دو دهه غفلت یا تغافل در مقابل شبکه سازی دشمن در حوزه فرهنگ و هنر و رسانه و تعلیم تربیت است. از مدارس و دانشگاه‌ها گرفته تا خانواده‌ها و مساجد و هیئت‌ها و حوزه‌های علمیه و رسانه‌های عمومی، در سازوکار انتقال هنجارها و ارزش‌ها - و یا نابهنجارها و ضد ارزش‌ها- سهیمند. هر نسلی نیازمند آن است که با معارف، هنجارها و ضدارزش‌ها آشنا شود و ضمناً علف‌های هرزی که می‌توانند عرصه را بر رشد و تربیت تنگ کنند، از پیش پای‌شان زدوده شود. در صورت غفلت، بدیهی است که معروف، فراموش یا منکر تلقی شود، و منکر، جای معروف بنشیند. بدین ترتیب، زبان مفاهمه از بین می‌رود و افراد کم توان معرفتی به پرتگاه رانده می‌شوند. هدف دشمنان بشریت از این انقطاع تربیتی، زامبی‌سازی و ضدجامعه‌سازی است.

۹) رسانه درجهان امروز، فقط ابزار خبر رسانی و خبرگیری نیست؛ بلکه ظرف شکل‌بندی ادراکات، و دیگ پخت و پز شخصیت افراد است. رسانه‌ها، فقط سبک زندگی نمی‌آموزند، بلکه خود زندگی هستند. شخصیت کاربر را می‌کوبند و به دلخواه می‌سازند. فضای مجازی در شکل آنارشیک، قربانگاه ترکیبی کاملی است که از ابعاد گوناگون، کاربر کم‌تجربه و فاقد مهارت را مسحور می‌کند و به تسلیم درمی‌آورد.

رسانه‌های جدید در وضعیت بی‌ضابطگی، دیگر شاهراهی برای تسریع فعالیت‌های ضروری روزمره نیستند، بلکه جاده مرگی هستند فاقد خط‌کشی و علائم راهنما و حفاظ، که ناگهان به سر پایینی با پیچ تند می‌رسد. حرکت در چنین مسیر پر پیچ و خمی، مستلزم مهارت آموزی، تفکیک انواع کاربران، تعیین محدوده‌های مجاز قانونی، مواخذه قاطع متخلفان، و اهتمام به راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات است.

۱۰) دشمن برای ناامن کردن جامعه ما از طریق ترویج بی‌اخلاقی و بی‌عفتی، اتاق جنگ دارد. ما هم باید ستاد عملیاتی چابک و هم‌افزا داشته باشیم که بهنگام رصد کند، و به مدیریت دفاع و حمله بپردازد. در دسترس قرار دادن انواع مواد مخدرها، روانگردان‌ها و مشروبات الکلی با کمترین هزینه، ترویج و توزیع لباس‌های قبیح با نازل‌ترین قیمت، استخدام ارادل برای مانور خیابانی و بازنمایی بی‌عفتی به مثابه امر خود جوش (!)، به بازی گرفتن برخی چهره‌ها برای حمایت از متخلفان، ذی‌نفع کردن گروه‌های سیاسی ورشکسته در ایجاد دو قطبی فرهنگی، و اقلیت‌نمایی اکثریت قاطع مردم دیندار و اکثریت‌نمایی اقلیت هنجارشکن با جادوی رسانه، از جمله برنامه‌های اجرایی ناتوی فرهنگی- اطلاعاتی است. نه باید با این تهاجم ترکیبی چند لایه که نگاهی هم به جنگ اقتصادی دارد، برخورد جزیره‌ای داشت؛ و نه به بهانه نفی برخوردهای جزیره‌ای و بخشی، دست روی دست گذاشت.

دستگاه‌های مسئول، حق ندارند مقابله فوریت دار با تهاجم دشمن را - به هر توجیهی که باشد- به تاخیر بیندازند. شناسایی دقیق صف‌آرایی دشمن، زدن مفاصل و نقاط پیوند پیاده و سواره آن، در کنار گزارش مستمر به مردم و تبلیغ هوشمندانه، مجموعه اقداماتی است که می‌تواند آخرین جنگ تحمیلی دشمن را مانند جنگ‌های تحمیلی قبلی مغلوبه کند و از تهدید موجود، فرصت ارتقای بینش و بصیرت و پیشرفت بسازد. همان که شهید سلیمانی گفت: «من با تجربه می‌گویم میزان فرصتی که در بحران‌ها وجود دارد، در خود فرصت‌ها نیست. اما شرط آن این است که نترسید و نترسیم و نترسانیم». میان تردید و انفعال، و یا واکنش هیجان زده مقطعی، حد اعتدالی وجود دارد و آن تیزبینی و تدبیر و تکاپوی مجاهدانه است. ملت ما، نه فقط گروهک‌های نفاق و صدام و داعش، بلکه آمریکا و انگلیس و اسرائیل را به برکت موقعیت‌شناسی مدافعان خدمش به زانو درآورد و این بار هم به شرط تشخیص و اقدام بهنگام، می‌تواند در «مصاف تمدنی سرنوشت‌ساز» پیروز شود، ان‌شاءالله.